یادداشت

بررسی حقوقی اقدام آمریکا در به‌کارگیری قاعده مکانیسم ماشه

محمدرضا دولت‌رفتار . محقق و مدرس حقوق

● براساس مقررات حقوق بین‌الملل عمومی به‌ویژه منشور ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل، رکن اصلی و اساسی سازمان ملل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است و براساس‌این مصوبات شورا اگر مبتنی بر فصل هفتم، ماده ۲۵ منشور ملل متحد باشد؛ درصورتی‌که مغایر با قواعد آمره بین‌المللی نباشد، برای همه کشورها ازجمله کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند، لازم‌الاجرا است. صرف‌نظر از اینکه مصوبات قبلی شورای امنیت در تحریم ایران مغایر با قواعد آمره بین‌المللی بوده است یا نه، باید توجه کرد که مصوبات مذکور به لحاظ شکلی موازین صوری منشور را رعایت کرده بود و در یک فرایند مبتنی بر رویه و مقررات شکلی (نحوه ارسال پروژه به شورای امنیت، رأی‌گیری و...) مورد عمل شورا به انجام رسیده بود.براساس این رویه به طور کلی هریک از اعضای ملل متحد و ازجمله اعضای شورای امنیت که موضوعی را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی فرض کند یا اقدام کشوری را تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی بداند، می‌تواند درخواست طرح موضوع در شورای امنیت کند. درصورتی‌که شورا موضوع فوق را مغایر با صلح و امنیت بین‌المللی بداند، می‌تواند اقداماتی را ازجمله تحریم و حتی به‌کارگیری زور تصویب کند یا توصیه‌هایی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی کند. در این مسیر با توجه به نقش پنج کشور دارای حق وتو، مصوبات شورا ممکن است با وتو مواجه شود و تصمیم‌گیری را با مشکل مواجه کند. بنابراین کشورهای حامی قطع‌نامه یعنی مصوبه شورا برای افزایش فشار دیپلماتیک و فشارهای روانی به کشور وتوکننده، اغلب متوسل به مصوبه مجمع عمومی ملل متحد می‌شوند تا مشروعیت اعمال حق وتو را بیش‌ازپیش زیر سؤال ببرند. در حقیقت وقتی شورای امنیت با اکثریت آرا مصوبه‌ای را تصویب می‌کند؛ درصورتی‌که مصوبه مغایر قواعد آمره بین‌المللی نباشد، به‌نوعی نشان‌دهنده نگاه اعضای جامعه جهانی به موضوع مطروحه در شورای امنیت است. ترتیبات رأی‌گیری و طرح موضوع در شورای امنیت نشان‌دهنده این است که قریب به اتفاق اعضای شورا موضوعی را در راستای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دانسته و برای حمایت از آن اقداماتی ازجمله تحریم‌ها را مصوب می‌کنند. صرف‌نظر از اینکه این تحریم‌ها و این مصوبات تا چه حد مغایر یا مطابق با قواعد آمره حقوق بین‌الملل بوده است یا نه، نکته اساسی این است که به لحاظ شکلی به نحو درستی طرح شده و نظرات اعضای جامعه جهانی را به صورت نمادین یعنی اعضای شورا که از مناطق مختلف جغرافیایی هستند، با خود همراه داشته باشد. براساس توافق فی‌مابین ایران و کشورهای ۱+۵ همه اعضا باید قواعد مصوب در توافق را رعایت کنند. براساس این توافق به همراه قطع‌نامه شورای امنیت روشی متفاوت برای بررسی موضوع، صلح و امنیت بین‌المللی درباره موضوع خاص ایران برگزیده شده است. علت این بوده است که کشورهای اروپایی و آمریکا نگران بودند که ایران بعد از مدتی مقررات توافق‌نامه را رعایت نکند و اگر موضوع مجددا برای بررسی موضوع در شورای امنیت ملل متحد مطرح بشود، ممکن است روسیه و چین با اعمال حق وتو مانع از بازگشت تحریم‌ها علیه ایران شوند؛ بنابراین برخلاف رویه موجود به جای اینکه روش معمول رأی‌گیری در شورای امنیت را مدنظر قرار بدهند، اجماع عدم تحریم را جایگزین مصوبه اعمال تحریم بدون تحریم کرده‌اند. به‌این‌ترتیب اگر هریک از اعضای توافق درباره نقض برجام از سوی ایران معترض باشد، باید با روشی که مشخص شده است، مراجعه و در نهایت موضوع باید در شورای امنیت مطرح شود و در شورای امنیت نیز به جای رأی‌گیری مبتنی بر بازگشت تحریم‌ها (که فکر می‌کردند ممکن است با وتوی روسیه و چین بلااثر شود) این دفعه باید تداوم منقضی‌شدن تحریم‌ها یا منتفی‌شدن تحریم‌ها به رأی گذاشته شود و در اینجا با اعمال حق وتو از طرف کشورهای دیگر عضو برجام که دارای حق وتو هستند، تداوم لغو تحریم‌ها منتفی و خود به خود تحریم‌ها به شکل قبل جایگزین وضعیت موجود؛ یعنی تعلیق تحریم‌ها خواهد شد. سؤال این است که آیا آمریکا می‌تواند از این روش استفاده کند یا خیر. به نظر می‌رسد با توجه به چند قاعده مهم حقوق بین‌الملل، آمریکا حق استفاده از این روش را پیشاپیش از خود سلب کرده است. اول اینکه بنا بر متن صریح توافق و قطع‌نامه همراه توافق فقط اعضای توافق حق دارند از این روش استفاده کنند و قطعا عضو کسی است که در زمان اعمال این حق عضو توافق باشد و آمریکا حدود یک‌سال‌ونیم پیش از عضویت برجام خودخواسته خارج شده است، پس عضو برجام نبوده و نمی‌تواند از این حق استفاده کند. دوم، آمریکا با طرح موضوع تداوم تحریم‌های تسلیحاتی ایران در چند هفته پیش به طور ضمنی نداشتن حق اقدام در چارچوب برجام را پذیرفته است والا باید بدون مراجعه به شورای امنیت برای درخواست مصوبه تحریم تسلیحاتی ایران، از روش ماشه استفاده می‌کرد.

ادامه در صفحه ۵

گفت‌وگوی احمد غلامی با صادق زیباکلام درباره انتخابات آمریکا

اصلاح‌طلبان در انتظار پیروزی بایدن

چیزی به انتخابات ۲۰۲۰ ریاست‌جمهوری آمریکا نمانده است؛ انتخاباتی که بیش از هر دوره دیگری هم‌زمان بر سرنوشت مردم آمریکا و خاورمیانه تأثیرگذار است؛ دو کاندیدای رئیس‌جمهوری، ترامپ و بایدن، با دو رویکرد متفاوت. اصلاح‌طلبان باور دارند انتخابات آمریکا در مسائل ایران اثر دارد؛ اثری که جناح‌های سیاسی دیگر چندان به آن قائل نیستند یا هستند و بر زبان نمی‌آورند. در همین زمینه با صادق زیباکلام گفت‌وگویی کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

عکس: سهند تاکی، شرق

ارزیابی شما از انتخابات پیش‌روی آمریکا چیست و به نظرتان انتخابات به چه سمت‌وسویی می‌رود.

انتخابات این دوره آمریکا تحت‌تأثیر آثار و تبعات کرونا قرار گرفته است. به این معنا که تا قبل از کرونا بخت‌واقبال آقای ترامپ خیلی زیاد بود. ترامپ توانسته بود به نفع اقشار و لایه‌های کم‌درآمدتر جامعه آمریکا اقدامات و سیاست‌های بسیار خوب اقتصادی را به اجرا بگذارد. بعد از مدت‌ها، آمار بی‌کاران و تورم به نحو ارزنده‌ای پایین آمده بود. رشد اقتصادی و صادرات آمریکا سیر صعودی یافته بود. مجموعه اینها باعث شده بود وضع مالی اقشار و لایه‌های کم‌درآمدتر جامعه آمریکا، طبقه متوسط سفیدپوست و حتی سیاهپوستان کم‌درآمدتر بهتر شود. البته اقشار تحصیل‌کرده مثل دانشجویان و نویسندگان، همچنان از ترامپ ناراضی بودند. هرچند رأی طبقه متوسط و زحمتکشان قابل‌تأمل بود اما با شروع کرونا وضع اقتصادی آمریکا هم مثل دیگر کشورها صدمه زیادی دید و تلفات انسانی آمریکایی‌ها هم افزایش یافت. رشد اقتصادی سه‌ساله متوقف و حتی منفی شد. تعطیلی خیلی از شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط و تعدیل نیروی انسانی کار موقعیت خوب ترامپ را تنزل داد. مشکل برای آقای ترامپ از آنجایی شروع شد که به‌تدریج رسانه‌ها، مطبوعات و... با طرح این بحث که ترامپ می‌توانست خیلی بهتر از اینها در قبال شیوع کرونا عکس‌العمل نشان دهد، اقدامات او را زیر سؤال بردند. به‌عبارت‌دیگر ترامپ با بی‌توجهی‌اش به معضل کرونا و سیاست‌هایی که اعمال کرده بود، مقصر شناخته شد. بنابراین مشکلات اقتصادی ناشی از کرونا به پای ترامپ نوشته شد. تا آنجا که در هفت، هشت ماه اخیر، محبوبیت ترامپ حدود ۱۰ درصد پایین‌تر از بایدن قرار گرفته است. اگر اوضاع همین‌طور پیش برود، به نظر می‌رسد شانس موفقیت ترامپ عملا از بین خواهد رفت. البته به این معنا نیست که ترامپ را بازنده قطعی بدانیم اما یقینی که تا قبل از کرونا به پیروزی ایشان در آبان‌ماه وجود داشت، عملا از بین رفته است.

بنابر تحلیل شما، ترامپ با استراتژی نگاه به درون روی کار آمده است. نگاهی که طرفداران بسیاری داشته و شاید هنوز هم داشته باشد. پس اگر کرونا نمی‌آمد، شاید ترامپ با خیال راحت‌تری دور دوم را هم می‌برد. اما این نگاه کرونایی صرف به انتخابات آمریکا ممکن است کمی تقلیل‌گرایانه باشد. درست است که ترامپ بیماری کرونا را جدی نگرفت و رأی خود را تا حدودی از دست داد اما او شخصیت عجیبی دارد. یعنی اگر ترامپ پیروز بشود، پیروزی‌اش را باید مدیون خودش و شخصیتش دانست و اگر شکست بخورد باز هم همین‌طور است. به عبارتی می‌توان گفت، ترامپ یعنی ترامپ. جالب است وودوارد در آخرین کتابش که حاوی چندین مصاحبه طولانی با ترامپ است، پرده از شخصیت غیرقابل پیش‌بینی او برمی‌دارد. رفقای هم‌حزبی‌اش می‌گویند اصلا باورمان نمی‌شود که چرا او حاضر شده رودرروی وودوارد بنشیند. نشستن در برابر وودوارد خودش تأییدی است بر این ادعا که شخصیت ترامپ غیرقابل پیش‌بینی و متکی به خود است. در این کتاب ترامپ به نکته جالبی اشاره می‌کند: «من فردی هستم که قطعا خشم را آشکار می‌کنم. من همیشه همین‌طور بوده‌ام. نمی‌دانم که این یک سرمایه است یا مسئولیت. ولی هرچه هست، من اینم. بارها در این موقعیت قرار داشته‌ام که مردم از من بیش از هر انسانی که تاکنون دیده‌اند، متنفر بوده‌اند و زمانی که ماجرا تمام می‌شود، آنها دوستان من خواهند بود». این حرف ترامپ بی‌پایه و اساس نیست. این روشی است در کشتی نمایشی کج. وقتی نفر در گوشه رینگ پشت ضربات متمادی قرار می‌گیرد، حس ترحم در تماشاگران حامی و مخالف به یکسان برانگیخته می‌شود و وقتی یک ضربه از کسی که گوشه رینگ گیر افتاده است، به حریف می‌خورد و به مسابقه بازمی‌گردد همه یکصدا حامی او می‌شوند و خواهان پیروزی‌اش. ترامپ برای همین روبه‌روی وودوارد می‌نشیند و خودش را زیر ضربات مشت‌های او قرار می‌دهد. همچنین زیر ضربات مشت‌های بولتون و مهم‌تر از همه زیر ضربات مری ترامپ. شاید قرارگرفتن در چنین وضعیتی مانند قرارگرفتن در گوشه رینگی باشد که ضربات متمادی و پی‌درپی به سروصورت ترامپ می‌بارد و در این لحظه است که تماشاگران، مردم، کسانی که حامی او هستند و کسانی که مخالف او، دلشان برای او به رحم می‌آید و می‌خواهند او از این منگنه خارج شود. پس یکصدا برای پیروزی‌اش او را تشویق می‌کنند. فکر نمی‌کنید الان ترامپ گوشه رینگ است؟ و ضربات پی‌درپی به او وارد می‌شود؟ آیا این امید وجود ندارد که او به میدان مسابقه بازگردد؟ به نظر من شخصیت ترامپ شخصیتی است که همه را غافلگیر می‌کند. نمی‌دانم تا چه حدی می‌توان روی این گزینه حساب باز کرد.

دقیق‌تر (یا درست‌تر) بخواهم بگویم، آنچه شما می‌گویید یک‌جور روان‌شناسی اجتماعی است که لزوما محدود به جامعه آمریکا نمی‌شود. اساس نظریه شما این است که ترامپ خودآگاه یا ناخودآگاه خودش را زیر ضربات بایدن و دیگران نشان می‌دهد و به احساسات و عواطف رأی‌دهندگان آمریکایی متوسل می‌شود. یعنی مثل همان کشتی‌گیر کج وقتی که بعد از خوردن ضربات، ضربه می‌زند همه به او ابراز احساسات می‌کنند. می‌گویید ترامپی که به دلیل کرونا و مسائل دیگر ضربات شدیدی دریافت کرده است، می‌تواند برخیزد و دوباره از خیلی از آمریکایی‌ها رأی بگیرد. من با گفته شما مخالفتی ندارم، حتی می‌خواهم یک مرحله جلوتر بیایم و بگویم اساسا مظلوم‌نمایی و اینکه نشان بدهند مظلوم بوده و قهرمان توده‌ها هستند؛ یکی از روش‌ها و شگردهای چهره‌ها و شخصیت‌های پوپولیست است. بسیاری از چهره‌ها و شخصیت‌های پوپولیست، در طول تاریخ این‌طور بوده‌اند. اقشار و لایه‌های محروم‌تر جامعه (محروم چه از نظر اجتماعی یا تحصیلات و چه از نظر اقتصادی) همیشه خودشان را لگدمال‌شده اقشار و طبقات مرفه‌تر جامعه می‌دانند و همواره به آنها کینه داشته‌اند. بنابراین سعی می‌کنند از طریق کتک‌خوردن و له‌شدن یک‌جور همذات‌پنداری بین خودشان و احساسات _ زیر خاکستر پنهان‌شده _ اقشار و لایه‌های آسیب‌پذیر جامعه نشان دهند و می‌خواهند بگویند من هم از شما هستم، من هم مثل شما هستم. اقشار و لایه‌های تحصیل‌کرده و مرفه جامعه همان‌طور که حقوق شما را پایمال کرده‌اند، به من هم ظلم شده است. بنابراین ترامپ (یا ترامپ‌ها) سعی می‌کنند با القای به‌وجودآوردن حس همذات‌پنداری بین خود و اقشار با تحصیلات کمتر جامعه، آنها را به سمت خودشان بکشانند. جالب است کسانی که از پوپولیست‌ها طرفداری می‌کنند، خیلی به اینکه عملکرد آنها چطور بوده توجهی ندارند. در ایران خودمان هم شاهد این مسئله هستیم. خیلی از کسانی که از احمدی‌نژاد طرفداری می‌کنند، کاری ندارند به اینکه در آن هشت سال چه اتفاقی افتاده است. آنها با احمدی‌نژاد همذات‌پنداری می‌کنند و معتقدند احمدی‌نژاد مثل رابین‌هود می‌خواهد حقوق پایمال‌شده آنها را از لایه‌های مرفه بازستاند. قطعا شما درست می‌گویید اما این تضادی با آنچه در قسمت بالا گفتم ندارد. ترامپ توانسته بود با پایین‌آوردن نرخ بی‌کاری و بالابردن صادرات و رشد اقتصادی آمریکا به اقشار و لایه‌های کم‌درآمدتر جامعه کمک کند. یقینا بخشی از آنها دیگر دلیلی نمی‌بینند که مجددا به ترامپ رأی بدهند؛ اما آن بخش از جامعه آمریکا که با ترامپ همذات‌پنداری می‌کند، دقیقا به دلایلی که شما گفتید و من هم قبول دارم، مجددا به ترامپ رأی خواهد داد. نمی‌خواهم بگویم چون وضع اقتصادی آمریکا به واسطه کرونا مشکل پیدا کرده دیگر هیچ شانسی برای ترامپ باقی نمانده است، می‌خواهم با قطعیت بیشتر بگویم محبوبیتی که ترامپ قبل از کرونا داشت تا حد درخور توجهی دچار ریزش شده است. بگذارید این‌طور بگوییم که اگر ما محبوبیت ترامپ را بین موفقیت اقتصادی و حمایت‌های پوپولیستی‌اش تقسیم کنیم، دومی همچنان به قوت خود باقی است، ولی حمایت‌های اقتصادی تا حد زیادی فرو ریخته است. نکته دوم اینکه ترامپ همان‌طور که توانسته عواطف و احساسات اقشار و لایه‌های توسعه‌نیافته‌تر آمریکا را برانگیزد و برایشان قهرمان ملی باشد، توانسته است به احساسات منفی خیلی از آمریکایی‌ها علیه خودش هم دامن بزند. کشته‌شدن جورج فلوید و احساساتی که به وجود آورد و اینکه ترامپ حاضر نشد با سیاه‌پوستان همدردی کرده و تبعیض نژادی را محکوم کند، باعث شد دیگر نتواند رأی خیلی از سیاه‌پوست‌ها را که همواره به جمهوری‌خواهان (بنا بر دلایل زیادی) رأی می‌دادند، جلب کند. از طرف دیگر، خیلی از تحصیل‌کرده‌ها و لایه‌های باسوادتر جامعه آمریکا که غالبا به شرکت در انتخابات بی‌تفاوت بوده‌اند، می‌آیند که به بایدن رأی دهند؛ چراکه تحریک عواطف و احساسات تبعیض نژادگرایانه ضد زن، ضد سیاه‌پوست، ضد خارجی و ضد مسلمانان برایشان آزاردهنده بوده است. نکته دیگری هم که نباید فراموش کرد، این است که برخلاف جوامع اروپایی، جامعه آمریکا به لحاظ گرایش‌ها، تمایلات سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی به‌هیچ‌وجه یکدست نیست؛ یکدستی‌ای که تا حدودی در فرانسه، انگلستان و آلمان می‌بینید، در آمریکا خیلی کمتر است. در اروپا مسائل اقتصادی، محیط زیست، طرفداری از دموکراسی و لیبرالیسم باعث به‌وجودآمدن تفاوت‌ها می‌شود. در آمریکا اما به این موارد باید مذهب، نژاد و مسائل جنسیتی را هم اضافه کنید. نه اینکه اینها در اروپا نباشند، هستند اما خیلی کمرنگ‌تر؛ یعنی نقش مذهب در انگلستان در حد صفر است، مذهب در انتخابات آلمان و فرانسه در حد صفر است؛ اما نمی‌توانید بگویید مذهب در آمریکا صفر است. من دانشش را ندارم که بگویم چند درصد، ولی مذهب قطعا نیرویی است که نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت. بنابراین تجزیه و تحلیل انتخابات آمریکا به واسطه پیچیدگی‌های جامعه آمریکا دشوارتر از داوری انتخابات در جوامع اروپایی است.

بحث من صرفا مظلومیت نیست. شاید در فرهنگ ما این مظلومیت که زمینه تاریخی هم دارد، در رأی‌دهندگان ایجاد انگیزه کند. تعریف ورزش کشتی‌کج مبتنی بر نوعی نشانه‌شناسی است؛ نشانه‌شناسی از فرهنگی برخاسته از توده‌های آمریکا. کشتی‌کج یک کشتی نمایشی تجاری است؛ همه با اینکه می‌دانند این نمایش است، در این نمایش مشارکت می‌کنند و خودشان جزئی از بازی هستند. فراموش نکنیم ترامپ در یکی از این مسابقات کنار رینگ حاضر شده و به زدوخورد با حریفی می‌پردازد که در حال زدن ورزشکار محبوب اوست. منظورم این است که ترامپ دارد روی ناخودآگاه حامیانش کار می‌کند. دست بر قضا، کشته‌شدن آن سیاه‌پوست به دست پلیس آمریکا، از سویی به ضرر ترامپ شد، اما از سویی دیگر تأکیدی است بر اندیشه‌های نژادپرستانه او و زمینه لازم را برای او فراهم می‌کند تا روی مخاطبان خود انگشت بگذارد یا تأکید کند. ترامپ در میان نخبگان شانسی ندارد. در دوره اول هم شانسی نداشت. پس نمایش او صرفا برای توده‌های آمریکایی است که آمریکا را برای آمریکا می‌خواهند و در کنار اینها، تهییج قشرهای بلاتکلیف. اغلب نخبگان آمریکایی به اینجا رسیده‌اند که ترامپ را خطری برای دموکراسی می‌دانند و این خطر اگرچه جدی است، ولی ترامپ در آن دست‌تنها نیست؛ هم‌صدای بسیاری دارد برای اینکه به نوعی اقتدارگرایی دست یابد. در کتاب خشم وودوارد به این نکته اشاره شده است که ترامپ حامی اقتدارگراهاست و او مرد سرسختی همچون پوتین را هم ستایش می‌کند. پوتین هم ورزشکار است. دارم برمی‌گردم به جامایه حرفم. جامایه حرفم این است؛ جان‌سخت‌های آمریکایی فقط می‌توانند با جان‌سخت‌های روسی هماورد شوند. ترامپ قدم‌های اولیه این راه را برداشته است؛ اما سؤال کنونی من این است چرا اصلاح‌طلبان تمایل دارند بایدن پیروز شود؟

اصلاح‌طلبان برای اینکه بتوانند بایدن را به ترامپ ترجیح دهند، دو دلیل اصلی لازم دارند؛ دلیل اولشان بازمی‌گردد به مسئله حقوق بشر. درست است که ترامپ فشارهای زیادی روی ایران در زمینه حقوق بشر یا نقض حقوق بشر می‌گذارد که آخرین مورد آن هم اعدام نوید افکاری بود، ولی همه ما می‌دانیم ترامپ هیچ اعتقادی به دموکراسی، آزادی‌خواهی و حقوق بشر ندارد و اگر دولت ایران را برای حقوق بشر تحت فشار می‌گذارد، به دلیل دشمنی‌اش است؛ والا در کنار ایران، عربستان است که وضعیت حقوق بشر در آنجا به‌مراتب از همه جا بدتر است و اساسا چیزی به نام آزادی مطبوعات و مخالفت با حکومت یا انتقاد از حکومت وجود ندارد؛ اما هیچ‌وقت از طرف ترامپ تحت فشار نبوده است. نه‌تنها عربستان، بلکه امارات، قطر و بحرین را که ناقض حقوق بشر در خاورمیانه هستند، هیچ‌گاه تحت فشار نگذاشته است. اگر ترامپ با جمهوری اسلامی مشکلی نداشت، حتی اگر وضع حقوق بشر در ایران خراب‌تر از همه دنیا بود، خم به ابرویش نمی‌آورد. اصلاح‌طلبان این را می‌دانند. اگر بایدن انتخاب شود، شاید فشار برای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی در ایران بیشتر شود؛ درحالی‌که اگر ترامپ انتخاب شود، درست است که احتمال توافق با ایران وجود دارد. اما اگر به هر دلیلی مطالبات ترامپ از جمهوری اسلامی ایران آن‌گونه باشد که تا جمهوری اسلامی ایران پرچم تسلیم در دست نگیرد رضایت ندهد، نه‌تنها توافقی صورت نخواهد گرفت، بلکه خصومت بیشتر هم می‌شود. در چنین شرایطی تنش بین ایران و آمریکا و به تبع آمریکا با غرب و اروپا نیز بیشتر خواهد شد و البته تندروها دست بالا را خواهند داشت و فشارشان روی منتقدان و مخالفان داخلی بیشتر خواهد شد. در نتیجه اگر ترامپ انتخاب شود و نتوانیم با آمریکا به توافق برسیم، وارد یک دوره پرتنش می‌شویم و به تبع آن شرایط در داخل کشور نیز سخت‌تر می‌شود و همین دلیل دیگری است که باعث نگرانی اصلاح‌طلبان می‌شود و بالطبع ترجیح می‌دهند بایدن رئیس‌جمهور شود.

آیا فکر نمی‌کنید ما دچار تکرار در تحلیل شده‌ایم؟ به این معنا که ترامپ و بایدن را در زمینه تحلیل‌های آشنا دسته‌بندی می‌کنیم. حرف اصلاح‌طلبان این است که اگر بایدن به پیروزی برسد فرصت برای ادامه و احیای اصلاحات وجود خواهد داشت. چه کسی چنین تضمینی را داده است؟ شرایط امروز دنیا شرایط چند سال گذشته نیست. همین‌طور چه کسی گفته است که اگر ترامپ برنده شود، تندروها دست بالا را پیدا خواهند کرد. با این تحلیل‌ها چند گزینه مهم را نادیده می‌گیریم. نخست توازن قدرت جهانی؛ یعنی چین، روسیه، آمریکا و دوم، تغییرات اجتماعی داخل ایران و مهم‌تر از همه وضعیت نابسامان اقتصادی. فکر نمی‌کنید اگر بایدن پیروز شود، ثمره درختی را که ترامپ کاشته بود، خواهد چید؟ او دیگر در شرایط اوباما نخواهد بود؛ چراکه ما هم به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در شرایط آرمانی دوره اوباما نیستیم. بایدن از راهی که ترامپ آسفالت کرده، یکسره جلو خواهد آمد و شاید با دموکرات‌های شیک‌پوشی روبه‌رو باشیم که زیر کتشان جلیقه‌های نظامی به تن دارند. آنان با تجارب دولت اوباما، حالا دست بالا را دارند و به سمتی می‌روند تا به خواسته‌های حداکثری خود برسند. به نظرم بحث حقوق بشر در بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان بیشتر شبیه چاقوی ضامن‌دار است که تا مطمئن نشوند تیغه این چاقو به نفع آنان است، آن را از ضامن خارج نخواهند کرد. اگر دموکرات‌ها با ایران برخوردی منطقی داشتند، به این لحاظ بود که هم ایران در بافتار اجتماعی خود نیرومند بود و هم در منطقه خاورمیانه دست بالا را داشت و البته مثل امروز هم دچار مشکلات اقتصادی نبود. از این منظر اشتیاق ترامپ برای پیروزی قابل درک است. او می‌خواهد نگذارد دموکرات‌ها میوه درخت او را بچینند. برای اینکه این اتفاق نیفتد، به نظرم او دست به هر کاری خواهد زد.

من به‌هیچ‌وجه نمی‌گویم اگر جو بایدن پیروز شود، باید جشن بگیریم و بگوییم ایران و عربستان و بحرین گلستان می‌شوند. همه حرف من این است که این تفکر که - در صد سال گذشته و البته میراث مارکسیست‌ها در ایران است - هیچ فرقی نمی‌کند در آمریکا یک جمهوری‌خواه یا یک دموکرات رئیس‌جمهور باشد، اشتباه است. مارکسیست‌ها به ما یاد داده‌اند در آمریکا کارتل‌ها، صاحبان صنایع، تراست‌ها و صهیونیست‌ها هستند که قدرت را در دست دارند و رئیس‌جمهور سمبل است و کاره‌ای نیست. چه فرقی می‌کند رئیس‌جمهور دموکرات در آمریکا بر سر کار باشد یا جمهوری‌خواه. مارکسیست‌ها به ما یاد دادند اینها همه نمایش است.

ادامه در صفحه ۵

خبر

رئیس‌جمهور در هیئت‌دولت:

آمریکا شکست خورد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهور در جلسه روز گذشته هیئت‌دولت با بیان اینکه همان‌طورکه در روزهای قبل پیش‌بینی می‌کردیم، امروز(یکشنبه) به‌عنوان یک روز به‌یادماندنی در تاریخ دیپلماسی کشور خواهد بود، گفت: «آمریکا به‌عنوان یک کشور زورگو در سطح جهان از دو سال پیش تلاشی سرسختانه برای تحمیل مجدد تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران را آغاز کرد که امروز به نقطه شکست خود رسید. آمریکایی‌ها در همه این مدت و از روزی که از توافق هسته‌ای خارج شدند، فکر می‌کردند که می‌توانند اتحادیه اروپا را به سمت خود بکشانند یا با تحریکاتی که انجام می‌دهند، جمهوری اسلامی را به جایی برسانند که بتوانند بهانه‌ای برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت داشته باشند اما آمریکا نه توانست ائتلافی علیه ما ایجاد کند و نه توانست تلاشی که برای لغو محدودیت‌های تسلیحاتی ایران داشت را به ثمر برساند».حسن روحانی تأکید کرد: «امروز باید گفت که فشار حداکثری آمریکا از لحاظ سیاسی و حقوقی بر ایران منجر به شکست و انزوای خود این کشور شده است. آمریکا در طول دو ماه گذشته سه بار برابر ایران شکست خورد. آن‌هم در جایی که فکر می‌کرد در آنجا لااقل شکست نمی‌خورد اما شاهد این بودیم که ۱۳ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت در برابر آمریکا ایستادند و از برجام دفاع کردند».او با یادآوری اینکه استفاده آمریکا از مکانیسم ماشه هیچ مبنای حقوقی ندارد، افزود: «کاملا روشن بود که آمریکا در این زمینه دچار شکست حتمی می‌شود اما درعین‌حال شیوه‌ای که شورای امنیت در این زمینه اتخاذ کرد، ارزشمند بود و آن‌هم شیوه بی‌توجهی به نامه و درخواست آمریکا بود و حتی برای بررسی آن جلسه تشکیل نداد. ما بارها گفته‌ایم که در برابر ملت ایران یک راه بیشتر وجود ندارد و آن‌هم با زبان تکریم سخن‌گفتن است و هرکس که بخواهد با قلدری سخن گوید، پاسخی دریافت نمی‌کند». رئیس‌جمهوری عنوان کرد: «من به‌عنوان رئیس‌جمهوری ایران اعلام می‌کنم که اگر آمریکا بخواهد از قلدری خودش استفاده کند و حرف نادرستی که می‌گوید من توانسته‌ام قطع‌نامه‌ها را برگردانم و البته هیچ‌کس این حرف را قبول ندارد، در مقام عمل اقدامی برای آن انجام دهد، حتما با پاسخ قاطع ایران روبه‌رو خواهد شد. ایران هیچ‌وقت زیر بار قلدری آمریکا نرفته و زین پس هم نمی‌رود. وقتی آمریکا درخواستی را مطرح کرده و شورای امنیت با آن مخالفت کرده، بنابراین دیگر از این پس هرگونه سخن‌گفتنی در این زمینه از سوی آمریکا و تلاش‌هایش برای بازگرداندن این تحریم‌ها، با پاسخ ایران همراه می‌شود و مسئولیت عواقب آن بر عهده آمریکا خواهد بود».روحانی با قدردانی از رئیس شورای امنیت و روسیه، چین و ۱۳ کشوری که از ایران در برابر آمریکا ایستادگی کردند، گفت: «یک بار دیگر به ۴+۱ اعلام می‌کنم که اگر همه این کشورها به‌طور کامل به تعهدات برجامی عمل کنند، ما هم به تمامی این تعهدات خود بازمی‌گردیم. ما تعهدات برجامی خود را کاهش دادیم؛ چراکه یک سال صبر کردیم اما در زمینه اقتصادی شاهد اقدام خاصی از سوی کشورهای عضو نبودیم و در نتیجه تعهدات خود را کاهش دادیم اما به محض اینکه آنان به تعهدات خود بازگردند، ما هم همه تعهدات خود را بازمی‌گردانیم. جمهوری اسلامی همیشه به تعهدات بین‌المللی خود عمل می‌کند و امروز هم موفقیتی که از لحاظ دیپلماتیک به دست آوردیم، در سایه مقاومت ملت و حمایت آنان و نیز هدایت رهبری بوده است و تا زمانی که این هدایت و حمایت مردم باشد، ما در برابر فشار آمریکا ایستادگی خواهیم کرد».

جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه وشهرسازی
شرکت مادرتخصصی ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور

آگهی مناقصه شماره ((۲۰۹۹۰۰۱۰۰۴۰۰۰۱۰۶))
در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت

بر اساس ماده ۱۳ قانون برگزاری مناقصات عملیات اجرایی پروژه به شرح زیر بصورت مناقصه عمومی دو مرحله ای واگذار میگردد:
۱ - دستگاه مناقصه گزار : شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور به نشانی تهران - بزرگراه مدرس - خیابان وحید دستگردی - خیابان فرید افشار - نبش بلوار آرش
۲ - شرح پروژه: عملیات تکمیل تقاطع غیر همسطح تصفیه شکر و ۴ کیلومتر جاده های ارتباطی (روستای تصفیه شکر تا روستای دغاغله و ورودی اهواز با تقاطع مذکور)، با مدت اجرای کار ۲۴ ماه، در استان خوزستان
۳ - سیر مراحل دریافت اسناد و برگزاری فرآیند مناقصه: صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس http://www.setadiran.ir و مهلت دریافت اسناد از سامانه مذکور حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۹/۰۷/۰۸ میسر خواهد بود.
ضمناً مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه مذکور، مراحل ثبت نام در سایت فوق و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه به انجام رسانند. تلفن پشتیبانی سامانه : ۴۱۹۳۴
۴ - محل تحویل پاکت شرکت در مناقصه (صرفا پاکت الف) اداره کل امور پیمان ها و رسیدگی فنی - شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور حداکثر تا ساعت ۱۴/۳۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۱۹ و تاریخ جلسه مناقصه ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۹/۰۷/۲۰ می باشد.
مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه از تاریخ فوق می باشد و در صورت لزوم یکبار قابل تمدید می باشد.
۵ - برآورد : براساس فهرست بهای پایه راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۹ به مبلغ ۳۹۴،۴۱۹،۳۶۴،۶۴۹ ریال میباشد.
(ضمناً انعقاد قرارداد بر اساس فهرست بهای تجمیع شده راه، باند فرودگاه و زیرسازی راه آهن می باشد)
۶ - مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱۱ میلیارد ریال تعیین میگردد.
۷ - مهندسین مشاور طرح شارستان زاگرس(تلفن : ۳۲۹۲۱۵۸۲-۰۶۱ و ۳۲۹۲۱۵۸۳-۰۶۱)
ضمنا آگهی مناقصه از طریق پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir نیز قابل دسترسی است.
م الف ۱۹۷۹